

منتخبی از تاریخ فلاسفه اسلام

فارابی - معلم دوم (۱)

در پرتو طلوع خورشید تابان اسلام معارف اسلامی گسترش یافت درفش و فرهنگ ایرانی، یونانی و هندی بطور کلی تمدن قدیم به کوشش دانشمندان و فرزندانگن اقتباس و نشر شد، و دوستانان معرفت شیفته حکمت و فلسفه شدند، در حوزه‌های درس و بحث و انجمن‌های علمی و روحانی بگفت و شنود آرای و معتقدات و اندیشمندان پرداختند.

حکیم، فیلسوف یمنی دوستدار حکمت، فرزانه‌ای است که گفتار فلسفی را درست بداند، رساله ویا کتابی در حکمت و منطق تألیف ویا ترجمه نماید. اصطلاحات «فیلسوف - حکیم» هنوز در جامعه علمی ما هست.

معلم در اصطلاح فلسفه قدیم دانشمندی را گویند که در همه دانش‌ها و هنرهای زمان استاد و صاحب نظر باشد، بگواهی تاریخ فلسفه تنها هوشمندی که از بزرگان فلاسفه شایسته این لقب و مقام بزرگ بود ارسطو حکیم یونانی است که بحق وی را «معلم اول» گویند.

در جهان علمی اسلام و ایران با اتفاق همه حکیمان لقب «معلم دوم» را ابونصر فارابی داراست. فارابی نخستین حکیمی است که به این مقام نامور شد. وی یکی از تجلیات روحی و علمی در معارف اسلامی است، همه بمقام و ارزش دانش او اعتراف دارند، او را ارسطو، افلاطون شرق و اسلام گویند. مشهور است که تنی چند از فلاسفه بزرگ مدعی مقام و لقب معلمی شدند، یا آنکه شاگردانشان آنان را گاهی «معلم سوم» یا «معلم چهارم» نامیده‌اند. شاید هیچ‌یک از ایشان جامع کمالات علمی نبودند.

یکی از بزرگان فلاسفه میرداماد است در تألیفات دقیق فلسفی خود این-سینا را تعبیر به «شریک مادر دانش و ریاست» یا «شریک مادر علم» گوید.

میدانیم که دانش و هنرهای باستانی به اندازه زمان ما گسترش نداشت، دانش قدیم کلیاتی بود، آشنایی و تحصیل آن‌ها در مدت چند سالی ممکن بود که آدمی دانای علوم اولین و آخرین شود.

۱ - نگاه کنید به سلسله مقالات ۱- تاریخ فلسفه اسلام ۲ - مدینه فاضله فارابی ۳- اندیشه صالح از نظر فارابی ۴ - فلسفه صالح از نظر فارابی ۵- فارابی و فلسفه او بقلم مرتضی مدرسی چهاردهی در مجله وحید دوره دوازدهم شماره ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، چاپ تهران.

هر روزی که از عمر جمعیت بشری می‌گذرد، دانش، هنرها و اندیشه‌ها گسترش می‌یابد علوم و فنون از نارسایی و مرز محدود خود بیرون آمده شاخه‌های فراوانی پیدا می‌کند.

امروز تخصص در هر رشته از دانش و هنر سالیان درازی لازم است که دانشجو آن رشته و علم را فرا گیرد، برای هر یک از رشته‌ها کتابها، ادوات و ابزارهای فنی و علمی فراهم کرده‌اند، دیگر نمی‌توان دانش و هنر نوین را با علوم باستانی سنجید. دانش و هنر چنان گسترش یافته است که خدا می‌داند چگونه اختیار را از دست بشر خواهد گرفت، لقب و مقام «معلم» با اصطلاح فلاسفه قدیم معنی حقیقی خود را امروزه از دست داده است.

معلم اول از غرب - معلم دوم از اسلام و ایران: در تاریخ حکماه دو نفر را بنام «معلم» ثبت کرده‌اند. نخست ارسطو از اروپا دوم ابونصر فارابی از جهان اسلامی.

تولد و تبار فارابی:

ابونصر محمد فارابی در حدود سال ۳۵۹ هجری (۸۷۲ میلادی متولد شد وی منسوف به «فاراب» است و «باراب» هم گویند.

مورخان نوشته‌اند نام فارابی محمد، کنیه‌اش ابونصر بود، در سلسله نسب او اختلاف دارند: ارجمله ابی‌اصیبه در کتاب «عیون الانبیا» گفته است: ابونصر محمد بن محمد بن اوزلخ بن طرخان. ابن خلکان گوید: ابونصر محمد بن طرخان بن اوزلخ. قفطی و بیهقی نوشته‌اند: ابونصر محمد بن محمد بن طرخان. ابن ندیم در «الفهرست» گوید: ابونصر محمد بن محمد بن طرخان.

ساعد اندلسی در کتاب «طبقات الامم» می‌گوید: ابونصر محمد بن محمد بن نصر. در جای دیگر ساعد گوید: او ابونصر محمد بن نصر است.

فاراب: ناحیه بزرگ و پهناور ماوراءالنهر جیحون آمو دریا ورود سیحون «سردریا» است بخش بزرگی از رود سیحون در منطقه کشور ترکستان است (۱) این منطقه را «فاراب» نامیده‌اند، این شهر جانشین شهر باستانی «قدر» گردید، سپس بجای شهر اطراشد.

فارابی در شهر «وسیج» در کنار غری رود سردریا «سیحون» متولد شد، شهر وسیج از ناحیه شهرستان فاراب است که فارابی به آنجا منسوب گشت.

مانند کسی که از شهر و یاروستایی باشد نام آن ناحیه را بر خود می‌گذاشت، آنچه این حوقل گفته و مستشرقین هم باو اعتماد کرده‌اند، بعضی از مورخان دیگر هم مانند «قفطی» و «ابن ابی‌اصیبه» و «ابن خلکان» ثبت نموده‌اند فارابی در خود شهر فاراب متولد شده.

بیشتر مورخان، عقیده دارند که او اصلاً از نژاد ترک و بود، صاحب طبقات الانبیا گوید، پدرش فارسی و فرمانده سپاه بود. بنابر سخن صاحب

طبقات الاطباء فارابی ایرانی بود .

از دوره کودکی و آغاز جوانی او اطلاع درستی نداریم ، همین اندازه می‌دانیم که قسمتی از دانش ، ادبیات ، فلسفه و زبان را در زادگاه خود آموخت ، بخصوص زبان فارسی ، ترکی ، عربی و یونانی . آنگاه از دیار خویش بیرون رفت و به کشورهای اسلامی رهسپار گشت . در عراق بمقام علمی رسید ، بررسیهای علمی ، فلسفی و زبان را تکمیل نمود .
زبان عربی را در بغداد نزد علی بن سراج آموخت و تکمیل علم صرف و نحو نمود .

منطق و فلسفه را در بغداد نزد ابی بشرمتی بن یونس خواند . اوقیلسوف مسیحی نسطوری بود ، در آن زمان از مشهور ترین استادان علم منطق بشمار میرفت . سپس به شهر حران گذر کرد نزد یوحنا بن خیلان نصرانی حکیم مشهور تحصیل نمود و بعد به بغداد بازگشت ، فرصتی یافت تا تحصیلات خود را در رشته ریاضیات ، موسیقی و طب ادامه و بدرجه کمال رسد بخصوص در فلسفه بمقام بزرگ فلسفی نائل شد و در حکمت شهرت جهانی یافت ، بعد از ارسطو بزرگترین فلاسفه بشمار آمد .

مشهور است که فارابی همه زبان‌ها دانا بود ، گروه بسیاری از مورخان نوشته‌اند که هفتاد زبان را می‌دانست !

این سخن مبالغه است ! او مشهورترین نویسندگان و زبان دانان عصر بود ، در برخی از رساله‌های خود عالمانه گفتار دانشمندان را بزبان فارسی و یونانی نقل کرد بزبان عربی تسلط داشت ولی زبان اصلی او نبود ، بدان شعر میسرود ، اشعاری از وی بزبان عرب بیادگار مانده که رنگه و بوی فلسفه و ریاضیات را دارد .

فارابی موسیقی‌دان نابغه‌ای بود ، کتاب با ارزشی در علم موسیقی تألیف نموده که از معتبرترین کتابهای علمی هنری بشمار میرود ، کتاب الموسیقی - الکبیر به تحقیق عطاس عبدالملک خشبه با مراجعه و مقدمه دکتر محمود حنفی در ۱۹۶۷ میلادی در قاهره ، چاپ شد . در مقدمه کتاب نوشته‌اند ، این کتاب مشهورترین کتاب موسیقی در زبان عربی و از فارابی حکیم است .
از زمان تاریخ تألیف این کتاب تا عصر حاضر کاملترین کتاب بزبان عربی در علم موسیقی است .

مورخان گویند ، آلت موسیقی شبیه « قانون » از ساخته‌های فارابی بود ، وی نخستین هنرمندی است که آهنگها و ادوات آن را ترکیب نمود . گارادی فودر دائره المعارف خود گوید : هرگاه درویشان مولوی از بین بروند آوازه‌های قدیمی که بفارابی منسوب است دیگر حفظ نخواهد شد ، چه آنان در هنگام وجد و حال به آهنگهای فارابی مترنم شوند .

از جمله داستان‌های ساختگی روابط فارابی با صاحب بن عباد است ،

بیهقی گوید. صاحب وزیر دیالمه هدیه و ارمغان ها برای فارابی فرستاد ، خواهش ها کرد تا بسویش رود ابونصر چیزی نپذیرفت . مناعت و بزرگه منشی کرد و به مجلس وزیر مشهور و ممتنع دربار دلمی نرفت عطایش را به لقایش بخشید ا تا چرخ بازیگر حکیم را بسوی وی کشانید !
با آنکه صاحب بارها گفته بود ، هر که ابونصر را بمن نماید او را بمالی فراوان ثروتمند گردانم ، حکیم فرصت را غنیمت شمرد بیگانه وار وارد مجلس وزیر شد ! حاضران مجلس که از ندیمان لطیفه گوی ، فضلی عالی مقام ، ارباب عیش و نوش و اصحاب فضل و ادب بودند همه حضور او را بی تناسب پنداشتند ! بدربانان پر خاش کردند ، مسخره کنان با حکیم به صحبت پرداختند ، اوتاب نیاورد تا بساط پادخواوری را گستر دهند ، در اثر باده ناب همه مست و بیخود شدند ، وی آلت موسیقی را بیاراست ، آهنگی آغاز کرد تا همه را بی هوش و مدهوش تر ساخت ! آنگاه بر د کاسه بر بطه نوشت :

د ابونصر به مجلس شما حاضر شد ، مسخره اش کردید . او هم با آهنگ موسیقی خود شما را خواب کردورفت ، بسوی بغداد شتافت ، صاحب یارانش از خماری شراب بیرون شدند ، حسن صحبت صدای لطیف آهنگ ، طرب انگیز و استادی ناشناس را در علم موسیقی بیاد آوردند ولی اثری از او ندیدند ، بر گذشته افسوس خوردند ، از غیبتش پشیمان شدند ، بر خوردند به وی با آن عبارت شیرین و پخته فغان برداشتند صاحب که خبر شد از اندوه بسیار پیراهن چاک زد و پریشان گشت . تنی چند که مورد اعتماد بودند بدنیالش فرستاد و اثری از حکیم نیافتند و وزیر ادب پرور تأسف و دریغ همی خورد با محرومیت از فیض حضور آن نادره دوران روزگاری گذرانید .

د و این من المثنای عنقاء و منرب (۱)

این حکایت درست نیست چه صاحب بن عباد در ۳۲۶ هـ متولد شد ، در هنگام مرگ او فارابی کودکی بود سیزده ساله ! با نقل این قصه شاید بتوان گفت بیهقی چه مورخ زود باوری بوده و سایر مؤلفین هم گفتار او را درست پنداشتند و بنقل آن پرداخته اند مانند شهر زوری و صاحب طریاق !
شمس الدین شهر زوری در کتاب تاریخ الحکماء به نقل از کتاب اخلاق -

الحکماء این داستان را نقل می نماید (۲)

میرزا معصوم شیرازی د نایب الصدرة در کتاب طرائق الحقایق گویا از

کتاب تلخیص الآثار این قصه را نقل کرده است (۳)

۱ - درة الاحبار و لمعة الانوار ترجمه ناصر الدین بن عمدة الملك ، منتخب

الدین منشی یزدی از متن عربی تنمة صوان الحکمة تأیفاً بو الحسن علی بن زید بیهقی متوفی بسال ۵۶۵ که از روی متن فارسی چاپ هند با برخی تصحیحات و اضافات استاد علامه سید محمد مشکوة از انتشارات مجله مهر آذر ۱۳۱۸ تهران

۲ - تاریخ الحکماء ترجمه آن بفارسی بنام کنز الحکمة بقلم شادروان

استاد جلال الدین دری جلد دوم ص ۳۸ - ۴۹ چاپ تهران ۱۳۱۶ خورشیدی

۳ - طرائق الحقایق با تصحیح استاد محمد جعفر محجوب چاپ تهران جلد